

دپلوم انجینیر کریم عطائی
ترجمه از منابع آلمانی

از میلیاردها دالر امداد ی اثری نیست

گوشه از جریان اوضاع در افغانستان

شپینگل آن لاین، شماره ۲۰۰۵ / ۱۲، مورخ ۲۶ مارچ

نویسنده: سوزان گولیل

سیاست در تلاش است تا بازسازی در افغانستان که نخره طلا برای مشاورین بین المللی و امداد کنندگان حرفوی شده است، به نتیجه برسد. این ها که در کابل دفتر های مجال بنا نهاده اند، کار ایشان بلند بردن سطح رشوه خواری و بی نظمی را احتوا می کند. در حالیکه مردم عام در بازار، سرک گلفروشی، صرف یک پیرا هن و تنبان و نسبت سردی هوا یک سر جامه فللین در بردارند و از خنک می لرزند.

رمضان بشر دوست که سال های زیادی در پاریس بسر می برد، دکتورای رشته حقوق را بدرجه عالی بدست آورد. او که ۴۳ سال دارد با نشر آثار متعدد در خصوص دیپلوماسی در جنوب آسیا، جوائزی را بدست آورده. بشر دوست در پاریس از زندگی در هجرت همانقدر راضی بود که یک مهاجر بوده می تواند، لذا بازگشت بوطن را برقرار در هجرت ترجیح داده و به افغانستان مراجعت کرد. او از طرف پریزیدنت کرزی بحیث وزیر پلان مقرر گردید و نظارت موسسات امدادی غیر دولتی را نیز عهده دار بود. اقتصاد افغانستان بصورت عموم روی فعالیت های ان جی او ها می چرخد که ظاهراً برای سعادت و عمران کشور دست اندر کاراند. بشر دوست درک نمود که فعالیت های این موسسات در حقیقت متوجه اند و ختن مفاد در حیب خودشان بوده نسبت به آبادانی افغانستان.

افغان ها از دیر زمان متوجه این حقیقت هستند که موسسات امدادی بین المللی غیر دولتی در جمهوری جوان افغانستان در پای هندوکش نوع نخره طلا را کشف کرده اند که با سوء استفاده از ان با اشغال کارهای پرمفعت و بدست آوردن قراردادهای میلیون ها دالر را در تصرف خویش می آورند. افغان ها از خود می پرسند که کجا شد این میلیارد ها دالر؟ روزنامه های کابل تایمز و انیس با بی حوصله گی می پرسند، کدام است جای مصرف این میلیارد ها دالر جامعه بین المللی؟

کشورهای متعهد تا حال بیش از چهار میلیارد دالر به افغانستان جنگ زده پرداخته اند. این مبلغ بیشتر از ان است که تا حال، صرف نظر از عراق، به یک مرکز بحران زده پرداخت شده است. شمار خارجی های که در سرک های کابل باموتر های بلند قیمت لندکروزر تویوتا پایان و با لامی روند، از حساب بیرون است. برای اکثر افغانها سه سال بعد از رهائی از ظلم طالبان هم کوچکترین تغییری در زندگی شان بعمل نیا مده است. هنوز هم جریان برق روزانه در ساعات محدود میسر است، هنوز هم کانالیزاسیون وجود ندارد و آب در حصص خوب کابل بندرت از نل جاری می شود. سرک ها همه، صرف نظر از یکی یا دوی آن، توته و پرچه مانده و اشد ضرورت به ترمیم و اعمار دارند.

در منطقه وزیر اکبرخان، برخلاف دیگر مناطق، شب و روز جنریترها فعالیت دارند تا برق تولید نمایند و پمپ های آبرا بکار اندازند. درین منطقه که صحنه سکونت موسسات امدادی می باشد، کرایه ما هانه یک منزل به ۸۰۰۰ دالر بالغ می گردد.

بشر دوست وزیر پلان می خواست بداند که ان جی او ها دقیقاً چه مبلغ از پوله های امداد را برای کدام منظور، مصرف می رسانند. او می خواست بداند، چه مبلغ برای کرایه منزل، چه مبلغ برای معاش و موتر و چه مبلغ برای پروژه، مصرف می رسد. او از آنها تقاضا نمود تا صورت حساب خود را بطور شفاف، عبیدان بکشند که برای این کار عده کمی از آنها حاضر گردید. از جمله ۲۳۵۵ موسسه صرف ۳۳۷ آن بجواب سولات وزارت پلان پرداختند. بشر دوست هم بصورت عجولانه اخطار مسدود نمودن دفاتر امتناع و رزان را از دادن حساب، صادر نمود.

پریزیدنت کرزی که با ان جی او ها و کشورهای مربوط از جنجال می خواست جلو گیری نماید، از این اقدام بشر دوست پشتی بانی نکرد. کشورهای حامی در نظر دارند الی سال ۲۰۰۹م مجموعاً بیش از ۱۵ میلیارد دالر در بازسازی افغانستان توسط همان

مؤسسات که وزیر پلان از آنها تنقید نموده، سرمایه گذاری نمایند. درین جمله مؤسسات امریکائی، جاپانی، و همچنان ارو پائی که عمده ترین آنها آلمان و برتانیای می باشند، شامل اند.

سیاست مدار جدید، بشر دوست، بصورت عصبانی ازوظیفه وزارت کناررفت، قصر ریاست جمهوری را ترک و موتر خدمتی را تحویل داد. او با لجه فرانسوی می گفت: "این يك نظام رشوه خوار است، که صا حبان سرمایه ازان بهره می برند."

با آن هم این سوال برجا است که همه این دالرها بکجای افغانستان مصرف می شود و چه پیمانان ازان انسان های مستحق را دربر می کشند؟

افغانستان ازجمله نادارترین ممالک جهان بشمار می رود که عاید سرانه آن بمشکل به ۲۰۰ دالر می رسد ولی خارجی ها درین جا بهترین عاید را درجیب می اندازند. صد ها کمپنی های مشورتی بابودجه های عظیم باهم رقابت می ورزند. شمار مشاورین درحال حاضر به بیش از ۳۰۰۰ نفر تخمین زده می شود. یکی از اعضای سفارت امریکا درکابل که اضافه از دوسال درینجا کارمی کند می گوید: "تثمار مشاورین درین شهر از خیل های مگس و گله های سگ بیشتر است". يك دیپلومات آلمانی اظهار می دارد که چارم حصه پول امدادی امریکا عوض معاش متخصصین خارجی پرداخته شده است.

ویلیام استرونک باشنده کالیفرنیا که ۶۷ سال دارد درهین زودی ها موفق گردید برای موسسه خود يك پروژه ۳۰ میلیون دالری را بدست بیارد. استرونک از ده ها سال باین طرف درمناطق بحران زده جهان سفر می کند. درحال با يك درجن ازهمکاران بین المللی خود با کرایه ماهانه ۱۲ هزار دالر درشمال کابل سکونت اختیار کرده است. او باید طبق قرارداد با حکومت افغانستان برای موسسه امرجینگ مارکیت گروپ Emerging Markets Group اراضی مورد نیاز را سروی و حدود ملکیت را تعیین بدارد. استرونک از امکانات بازارکار درین جا از خوشی برپیراهن نمی گنجد ولی همزمان اظهار تاسف می کند که درین جا صرف با اشخاصی برخورد می شود که زیادتیر به پول نسبت بکار علاقه مند می باشند.

بفاصله ۵ دقیقه ازدفتر استرونک دریک ویلای خشت پخته دروزیر اکبرخان يك دفتر رقیب، کمپنی بیرینگ پاینت BearingPoint قرارداد. بودجه سالانه افغانستان برای کمپنی های مشورتی که بسطح جهانی درکار اند، به ۱۰۰ میلیون دالر بالغ می گردد. امر بیرینگ پاینت، اد الراخلز، موفق گردیده تا ۷۰ نفر مشاور را درچوکات حکومت جابجا سازد. با این همه مصارف گزاف درظرف سه سال با گله های مشاورین درکشور بازم يك وزارتخانه وجود ندارد که ازعهده کاربرآید ویا اقلأ تعداد کافی افغانهای تربیه شده باشند تاخود درپیا ایستادن چنین دوائر اقدام کرده بتوانند.

همکاران امر کمپنی بیرینگ پاینت اجازه ندارند بدون نظارت با نمایندگان مطبوعات تماس بگیرند. با آن هم یکی ازمشاوران مربوط وزارت مالیه که درحدود پنجاه سال داربد و نکرنامش از موجودیت خود درین جا توضیحات می دهد. او بیان می دارد که درکابل عین معاش را اخذ می کند که درعراق به او پرداخته می شود (معاش روز جمع ۵۰ درصد پرداخت اضافی برای مشکل کارو بروز خطر) بانکه درکابل نسبت به آنجا خطر کمتر است. او از گفتن مجموع مبلغ معاش بحیث راز اداره خود داری می کند. اما اشخاص وارد می دانند که کارکنان موسسه یو. اس. اید درهرجای جهان روزانه ۸۴۰ دالر معاش دارند.

هیچ يك ازسیاست مداران کابل حدس هم زده نمی توانند که برای مشاورین شان چه مبالغ سرسام آورمعاش پرداخته می شود. اشخاص ۱۰۰۰ دالری که ازطرف مؤسسات امدادی مانند بانک جهانی و بانک انکشاف آسیائی استخدام گردیده اند، درهر کجا حضور دارند. مدت کوتاه قبل يك لست معاشات برای بار اول بدست افتاد که درحکومت با عث تکان های نیمه شدید يك زلزله گردید. يك همکار موسسه مشورتی برتانوی کراون اجنت Crown Agent برای ۱۸۰ روز اجرای کاراداره تنظیم پوهای امدادی، ۲۰۷ هزاردالر معاش بشمول مصارف اضافی اخذ داشته و شخص دیگری برای ۲۳۱ روزکار ۲۳۲ هزاردالر یعنی ده چند معاش يك وزیر افغان دريك سال، طالب حق الزحمه گردید.

اضافه از يك صد نفر این چنین متخصصین کار درزمان حکومت انتقالی درخدمت وزیر مالیه اسبق، اشرف غنی، قرار داشتند که او امروز کوچکترین نام نیک ازان مشاوران خود نمی برد. او می گوید ۱۰ درصد آنها متخصصین درجه يك بودند. ۲۵ درصد قابل حوصله پنداشته می شوند وباقی از آنها اصلاً صاحب صلاحیت نیستند. وزیر مالیه فعلی انورالحق احدی درصدد ارزیابی است تا تشخیص دهد که کدام يك ازایشان بدرد می خورد.

يك همکار سفارت امریکا که درین مورد وارد است، بمشکل دستگیری می کند، زیرا سفارت که درجاده مسعود بزرگ در مرکز

کابل واقع و مانند قلعه مستحکم با بلاک های کانکریت و راهای عبوری پرخم و پیچ احاطه گردیده شدیداً تحت مراقبت امنیتی قرار دارد. همکاران سفارت ساختمان آنرا محبس پنج ستاره نام گذاری کرده اند و ندرتاً آنرا ترک می کنند. این شخص که نمی خواهد نامش نکر گردد، از جمله کسانی است که از اعداد و ارقام مربوط به بازسازی بحیث عضو حلقه داخل کار معلوما ت کافی دارد. او اجازه ندارد رسماً اظهار معلومات نماید زیرا چیزی که او می گوید با پالیسی دفترش موافق نیست.

او می گوید، قبل از تقریباً یک سال سفارت امریکا از واشنگتن این هدایت را حاصل داشت: "معجزه را براه باندازید، افغانستان را در یک شب اعمار کنید." در ظرف سه ماه، الی جون ۲۰۰۳م باید در افغانستان ۷۰۰ کلینیک و مکاتب، دستگاهای تولید برق و شبکه آبرسانی فعال شده باشد. بعقیده پاتریک فین، آمر یو اس اید در افغانستان که در امور انکشاف شخص صاحب تجربه و کار فهم است، همچو یک پلان جنون محزاست.

همکار سفارت می گوید، بعد از وصول این هدایت همه تحت فشار فوق العاده قراردارند تا بتوانند احصائیه پیشرفت کار را عرضه کنند که این موضوع البته نتایج کتستروفی را دربردارد: "کیفیت ناقص مواد کار، قیمت ها بسیار بلند و استخدام اشخاص غلط که صرف درصدد پرکردن جیب های خود هستند." او علاوه می کند، اساساً باید از همچو یک پلان مزخرف صر نظر گردد. در عوض اعمار کلینیک ها و مکاتب و مصارف بیهوده درکشور، می بایست انسانها تربیه شوند تا کلینیک ها و مکاتب را خود اعمار کرده بتوانند، زیرا "مادر اینجا ساختمان های را بجا می گذاریم که مدت کوتاه بعد بخرابه مبدل می گردند."

انجینیر محمدآبرار درامو ساختمان صاحب معلومات کافی، شخص فعال، تنو مند و دارای ریش انبوه ماش و برنج است. او در کارته پروان در مغازه سمنت فروشی نجیب سیخ گول و سنگ پارچه مورد ضرورت ساختمان های خود را فرمایش می دهد. او که ۵۰ سال دارد حقیقتاً در امور ساختمان تحصیل کرده است. در افغانستان اکثر کسانی که خود را انجینیر تعمیرات می نامند ممکن مدت باکدام ساختمان سر و کار داشته باشند ولی هرگز از کوچجه تحصیل هم گذر نکرده اند. در جنگ های بیش از ۲۳ سال، اهل کار بکلی از بین رفته و کسیکه از موسسات انکشافی بین المللی بیک تربیتی یک پروژه را می قید، خود را کارشناس معرفی می کند.

انجینیر آبرار در امور ساختمان برای خارجی ها اشتغال داشته به چل و فن این رشته بلدیت تام دارد. او می گوید کار این جی اوها مانند توپ برفی است که هر قدر بلوگد بزرگتر می شود. موسسات پو لدار مانند یو اس اید، پروژه ها را به این جی او های بین المللی می سپارد. این ها آنرا به این جی او های افغان می دهند و این سلسله دست بدست دوام پیدا می کند تا هر کدام بین ۵ الی ۲۰ درصد حجم پروژه را برای خود نگاه کرده باشد.

نماینده ها برای اعمار یک مرکز صحتی در حال ۸۰ الی یک ۱۰۰ هزار دالر و برای ساختمان یک مکتب تا حد و ۱۳۵ هزار دالر می پردازند. انجینیر آبرار اظهار می دارد که این میبالغ نسبت به قیمت های رایج در محل تقریباً ۲۰ درصد بیشتر است. این جی اوهای افغان برای جلب توجه بیشتر، خود را بعوسسه تمویل کننده یک اداره عام المنفعه معرفی می دارند و به این ترتیب از پرداخت محصولات گمرکی اموال وارداتی نیز معاف می گردند.

انجینیر آبرار به کارکنان خود هدایت می دهد تا جالی های سیخ گول را که همین اکنون خریداری نموده به یک لاری کوچک بار کنند. او در ضمن شانیه های را بالا انداخته می گوید، در سلسله دست بدست بالاخره کار ساختمان به کسی تعلق می گیرد که کمترین پول را بدست می آرد و از همین لحاظ کار را بهمان اندازه بصورت ناقص انجام می دهد که خرابتر از آن ممکن نیست. کنترل کار در یک ملک که امنیت وجود ندارد، غیر ممکن است. ازین رو خارجی ها وظیفه نظارت کار را به افغان ها می گذارند و این ها خود جزو نظام کرویشن هستند. انجینیر آبرار در چرخش این ماشین قلبچلانی کدام بد اخلاقی را درک نمی کند چه این کشور از خود عایدی ندارد و هرکی درکشورش است تا زنده بماند.

قریه آوخاری که در شرق افغانستان دریای کوههای نو برجه قرار دارد بفاصله یک ساعت از مرکز ولایت غزنی از طریق یک سربک خامه، ملو از گل ولای بدور است و درین قریه نه از برق و نه از تلویزیون اثری بیده می رسد. باشندگان این قریه را ۱۱۰ فامیل هزاره تشکیل می دهد که از حاصلات زراعت خود زندگی می کنند. اینها خوش هستند که زمستان سخت را با نخیره

محدود گندم، سیب و گوشت خُشک سپری کرده اند.

بهر حال این قریه کوچک بهرطریقی که بود درلست محلات قابل کمک جا داده شد. جاپانی ها يك مکتب دومنزه برای دختران و امریکائی ها يك کلینیک صحتی را وعده نمودند.

چیزی که بعداً ازین دو پروژه بدست آمد، نمونه است از نظام جاری رشوه خواری، چه مکتب اعمار گردید ولی منزل دوم آن تا حال درک ندارد. ظاهر احمد جان، گوینده کلان شونندگان اوخاری عقیده دارد که دست دروغ وقلب چلانی درکاراست. او می گوید، درافتتاح مکتب جاپانی ها حاضربودند. آنها لبخند داشتند ولی آگاه نبودند که دقیقاًچه فرمایش کرده و واقعاًچه بدست آورده بودند.

هیچ يك ازتمویل کنندگان با ساکنین قریه مذاکرات رو یا روی انجام نداده بلکه گفتگو صرف با ان جی او انجام پذیرفته و بس. درقسمت کلینیک صحتی وضع ساکنین قریه اوخاری ازان بهتر نبود. دوسال قبل درخزان سال، کار ساختمان شروع گردید. درضمن اجاره دار تعمیر تبدیل شد و قسمت اعظم ساختمان نسبت بکاربرین مواد ارزان قیمت و ناقص باید تخریب می گردید. درحال حاضر کار ساختمان معطل است.

بصورت عموم نبودن پول دلیل عدم پیشرفت کارنیست. بطورمثال تنها آلمان سالانه ۸۰ میلیون اُیرو برای بازسازی درافغانستان سرمایه گذاری می کند. این مبلغ مصارف تشکیل پولیس، پروژه ترمیم سرکها و مصارف مشورتی را برای امورقضائی احتوای کند. آرمدفتر موسسه آلمانی برای همکاری تخنیکی درکابل، خام گیزلا هایفا، اشاره بدان دارد که مؤثریت این مصارف بدرستی پیمایش شده نمی تواند.

خام هایفا ازچند روز باین طرف درافغانستان است و خود می خواست مؤثریت پروژه ها را بطور مثال پروژه را برای زنان درقند هار ارزیابی نماید. مبلغ ۸۵۰ هزار اُیرو. بمصرف رسیده بود تا درقندهاربرای چند صد زن جای کار تهیه شود. هم چنان يك لیلیه برای دختران محصل باید اعمار می گردید.

پروژه زنان دراول بکلی موفق بود تا اینکه درآخر سال ۲۰۰۳ م دفعتاً به سقوط مواجه شد و زنان قند هار مایوس بجا ماندند. عمارت لیلیه درسمبر سال گذشته از طرف سفیر آلمان افتتاح وبه شاروالی قندهار سپرده شد. ولی بگفته رنگینه حمیدی که ۲۸ سال دارد، وازجمله کمک کنندگان امریکائی افغان الاصل درقندهار اقامت دارد، هیچ يك محصل دختر درلیلیه بودوباش ندارد. قابل تعجب است که همین حالا امریکائی ها شروع نموده اند تا يك لیلیه دومی را در پهلوی لیلیه که آلمان بنا نموده، اعمارنمایند. رنگینه حمیدی اظهار می دارد که درشهر قندهار مجموعاً ۲۰ نفر محصلین دختر وجوددارند که آنها هم نسبت کهنه پرستی مردان ازدین و مذهب، بخانه پدران خود شب را سپری می کنند. با این جریان مو بر بدن خام گیزلا هایفا راست شده بود و نمی دانست، ارزیابی مؤثریت کار را ازکجا شروع کند.

با این پرده برداری ازجریان اوضاع، همکار سفارت امریکا قهوه خودرا می نوشد و مرخص می شود چه باید زود تر برگردد. او عقیده دارد که فعالیت ها را درافغانستان می توان بجهت مثبت سوق داد. برای این منظور به انسان های دلسوز و کارفهم ضرورت است که نخواهند برای ارضاء سیاست اعداد و ارقام آرایش کنند، بلکه خود شخصاً از دور افتاده ترین نقطه کشور بچشم سر بازدید بعمل آرند.

شاید به اشخاصی مانند وزیر سابق، بشر دوست که بحیث حقوق دان درتلاش وظیفه جدید است و آرزو دارد آمریت شعبه ضد رشوه خواری برایش داده شود، ضرورت باشد.

پایان